

تحلیل کیفرشناختی مجازات اعدام در قانون

مبارزه با مواد مخدر

حسن پوربافرانی* و امین مسائلی**

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۴/۱۶	تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲
------------------------	-----------------------

سال‌های متمادی است که مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران وجود دارد و در قبال محکومان اعمال می‌شود. این مجازات در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصلاحیه این قانون در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹ در موارد متعددی پیش‌بینی شده است. با توجه به اعدام تعداد بسیار زیادی از مجرمان مواد مخدر و همچنین میزان وقوع جرائم مواد مخدر در طول سال‌های اجرای این قانون، این سؤال مطرح می‌شود که آیا کیفر اعدام توانسته است اهداف مجازات‌ها به ویژه هدف بازدارندگی عام را محقق کند؟ آنچه از ملاحظه واقعیات جامعه و آمارهای رسمی ارائه شده برمی‌آید این است که موفقیت کیفر اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر در تأمین اهداف مجازات‌ها با تردید جدی مواجه است. در این پژوهش، با دیدی تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای، مجازات اعدام در این قانون از منظر کیفرشناختی بررسی شده و عدم کارایی و ناتوانی آن در تأمین اهداف مجازات‌ها، عدم تناسب این کیفر با برخی رفتارهای مجرمانه موجود در قانون مزبور و نقض اصول حاکم بر مجازات‌ها به دلیل وضع و اجرای اعدام به اثبات رسیده است.

کلیدواژه‌ها: مجازات اعدام؛ اهداف مجازات‌ها؛ مواد مخدر؛ قانون مبارزه با مواد مخدر؛ کیفرشناسی

* دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛

Email: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان؛

Email: aminmasaeli@gmail.com

مقدمه

مجازات اعدام شدیدترین مجازاتی است که می‌توان آن را علیه مجرمان به کار گرفت. این مجازات با بود و نبود (هستی) انسان سروکار دارد و برخلاف سایر مجازات‌ها نظیر حبس فرصت ادامه زندگی برای محکومان باقی نمی‌گذارد. طرفداران مجازات اعدام اعتقاد به مشروعیت، انسانی و عادلانه بودن آن دارند. به عقیده این گروه، مجازات اعدام هم عادلانه و هم پاسخگوی تخطی به نظام جامعه است و می‌تواند سد محکمی در قبال تجاوزهای دیگران باشد و آنها را از ارتکاب جرم و تکرار آن بازدارد. به‌علاوه کیفر اعدام موجب تشفی زیان‌دیده از جرم و تسکین دردها و رنج‌های او می‌شود (نوربها، ۱۳۹۰: ۳۷۴). وجه مشترک استدلال همه کشورهای استفاده‌کننده از مجازات اعدام در بازدارندگی آن است (Amnesty International, 2014: 4). در مقابل، مخالفان معتقدند هیچ دلیل علمی دال بر اینکه مجازات اعدام به‌طور ویژه بتواند مانع ارتکاب جرم شود، وجود ندارد (Ibid.). به اعتقاد ایشان مجازات اعدام مفید و عادلانه نیست و از وقوع جرائم و تکرار آنها پیشگیری نمی‌کند؛ زیرا به‌رغم کثرت این مجازات، همیشه با مجرمانی مواجهیم که جرائم مستحق مجازات اعدام را بدون ترس از این کیفر انجام می‌دهند. این گروه به برگشت‌ناپذیری مجازات اعدام در صورت کشف خطا بودن حکم و وجود آمارهای قابل توجهی در این خصوص نیز اشاره می‌کنند (نوربها، ۱۳۹۰: ۳۷۴؛ صلاحی، ۱۳۸۲: ۸۵-۸۲).

امروزه دیدگاه مخالفان اعدام، در قانونگذاری کشورها تأثیر داشته است. به‌عنوان نمونه تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ بیش از دوسوم کشورهای جهان؛ مجازات اعدام را در قانون یا در عمل لغو کرده‌اند. ۶ کشور در جرائم عادی و ۱۰۲ کشور در تمام جرائم، مبادرت به این کار کرده‌اند. ۳۲ کشور در عمل لغو و ۱۴۰ کشور، هم در عمل و هم در قانون آن را لغو کرده‌اند. باین حال تا این تاریخ مجازات اعدام در قوانین ۵۸ کشور حفظ شده است (Ibid., 2016: 66). جامعه بین‌المللی هم چهار عهدنامه را تصویب کرده که نسبت به لغو مجازات اعدام «تصریح» دارند. یکی از این عهدنامه‌ها، بین‌المللی و سه مورد دیگر منطقه‌ای است که به‌ترتیب عبارت‌اند از: پروتکل دوم اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱

1. Second Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights, Adopted by the UN General Assembly in 1989.

(۱۹۸۹)، پروتکل کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر برای لغو مجازات اعدام^۱ (۱۹۹۰)، پروتکل شماره ۶^۲ (۱۹۸۳) و شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۳ (۲۰۰۲).

با توجه به پذیرش کیفر اعدام و قصاص نفس در دین اسلام به‌عنوان کیفر جرائم حدی و قتل نفس، نظام حقوقی ایران نیز که برگرفته از احکام شرع است این مجازات را پذیرفته و در قوانین جزایی خود وارد کرده است که البته این مجازات‌ها مورد بحث مقاله نیست.^۴ آنچه مورد بحث است کیفر اعدام برای برخی جرائم مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر است. مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷ قانون مبارزه با مواد مخدر را تصویب کرد و براساس آن، کیفر برخی جرائم مواد مخدر را اعدام قرار داد. صرف‌نظر از اینکه وضع مجازات اعدام برای این جرائم که ماهیتاً تعزیری است، با موازین شرعی انطباق دارد یا خیر^۵ و نیز با حقوق عرفی و رویکرد جامعه بشری هم مغایرت دارد یا خیر^۶، یکی از مسائلی است که با در نظر گرفتن گستره وقوع جرائم مواد مخدر در سال‌های اخیر، همواره محل بحث بوده، چراکه کیفرشناسان برای مجازات‌ها اهدافی از جمله هدف ارباب عام یا بازدارندگی عمومی قائل‌اند (بولک، ۱۳۸۴: ۳۵-۲۹؛ صانعی، ۱۳۷۱: ۱۶۰)، آیا این اهداف به خصوص هدف بازدارندگی در وضع مجازات اعدام محقق شده است یا خیر؟ مباحث مرتبط دیگری همچون عدم اعتقاد دادگاه‌ها به کیفر اعدام و نادیده گرفته شدن اصول حاکم در وضع مجازات اعدام برای مواد مخدر هم از مباحث دیگر مقاله است.

1. Protocol to the American Convention on Human Rights to Abolish the Death Penalty, Adopted by the General Assembly of the Organization American States in 1990.

2. Protocol No. 6 to the European Convention on Human rights, Adopted by Council of the Europe in 1983.

3. Protocol No. 13 to the European Convention on Human rights, Adopted by Council of the Europe in 2002.

۴. برای مطالعه در خصوص نحوه تعامل با مجامع حقوق بشری نسبت به این مجازات‌ها ر.ک. پوربافرانی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۵۷-۵۴.

۵. برای مطالعه در این خصوص ر.ک. مرعشی، ۱۳۷۹: ۱۷۰.

۶. طبق بند «۲» ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران هم به آن ملحق شده: «در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده، صدور حکم اعدام جایز نیست مگر در مورد مهم‌ترین جنایات...». هرچند عبارت «مهم‌ترین جنایات» تا حدی مبهم است اما بنا به اعتقاد کمیته حقوق بشر این عبارت باید به صورت مضیق تفسیر شود به این معنا که اعدام باید به عنوان کیفری تقریباً استثنایی برای جرایم عمدی با عواقب شدید مرگبار استفاده شود (هود و کرولین، ۱۳۹۱: ۱۶۹).

هرچند در این تحقیق مستقیماً از روش مطالعات میدانی استفاده نشده، اما از آمارهایی که پژوهشگران ایرانی و خارجی در خصوص موضوع انجام داده‌اند برای اثبات فرضیه‌های مقاله بهره‌برداری شده است.

«مکافات دهی»، «ارعاب عام یا بازدارندگی عمومی» و «تأمین مصلحت نظام و جامعه»، اهداف مورد نظر مقنن برای مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر به‌شمار می‌آیند. همچنین از آنجا که با اجرای کیفر اعدام، مجرم از جامعه حذف می‌شود، بالطبع اهداف «اصلاح و تربیت» و «ارعاب خاص» او نمی‌تواند به‌عنوان اهداف مقنن برای این مجازات تلقی شود. در این مقاله تحقق یا عدم تحقق اهداف فوق بررسی می‌شود. با توجه به اینکه ارعاب عام یا بازدارندگی عمومی، هدف اصلی مقنن از تعیین مجازات اعدام است، تحقق یا عدم تحقق آن تا حدود زیادی پاسخ سؤال به کارایی یا عدم کارایی کیفر اعدام در جرائم مواد مخدر را مشخص می‌کند که در همین قسمت به آن پرداخته خواهد شد.

۱. بررسی هدف مکافات‌دهی

سزادهی و مکافات مجرم سستی‌ترین مبنای مجازات است (شیکر، ۱۳۹۳: ۳۰). براساس این هدف، مجرم با ارتکاب جرم، نظم عمومی را برهم زده است و فقط با اعمال مجازات است که این نظم به هم ریخته، به جامعه بازمی‌گردد. در واقع سزادهی یا مکافات به معنای جبران گذشته است. بر همین اساس به آن دیدگاه گذشته‌نگر یا واپس‌گرا هم گفته‌اند (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱: ۲۹). از دیدگاه سزاگرایان که کانت هم از جمله آنهاست و مثال جزیره متروکه‌اش مشهور است، اقتضای عدالت اجرای مجازات است، هرچند سودی نداشته باشد (Katz, Michael and Morse, 1999: 59). کسی که با عمل مجرمانه خود، به دیگران آسیب و ضرری وارد کرده یا جامعه را در معرض مشکلات قرار داده است، مستحق مجازات است و همان قدر که به دیگران یا جامعه آسیب وارد کرده است باید سزای عمل خود را ببیند. مجرمان جرائم مواد مخدر هم با اعمال مجرمانه خود از قبیل قاچاق و توزیع مواد مخدر و در نتیجه مواجه کردن جامعه با مشکلات عدیده، مستحق مجازات می‌شوند و طبیعتاً باید با ضمانات اجرایی مناسب آنها را مجازات کرد تا هدف سزادهی تأمین شود. به‌رغم نظر منفی جامعه جهانی نسبت به مجازات اعدام به‌خصوص در جرائم مواد مخدر، شاید با همین رویکرد مکافات‌گرایی هنوز حدود ۳۰

کشور جهان مجازات اعدام برای مواد مخدر را حفظ کرده‌اند (Pinto, 2015)؛ هرچند استفاده از آن در برخی کشورها افراطی و در برخی دیگر محدود است.

در مورد مجازات اعدام به‌عنوان واکنش کیفری در قبال جرائم مواد مخدر در ایران نیز مسلماً هدف سزادهی مجرمان مدنظر تدوین‌کنندگان قانون مبارزه با مواد مخدر بوده است و این چیزی است که در مطالب مقامات قضایی جمهوری اسلامی ایران هم به آن تصریح شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۹: ۸). اما سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا این مجرمان که خود عمدتاً آلت فعل باندهای مواد مخدرند و با فقر و مشکلات اجتماعی - اقتصادی فراوان دست و پنجه نرم می‌کنند و به نوعی قربانی عدم برنامه‌ریزی صحیح دولتمردان در جهت ایجاد اشتغال‌اند و در یک کلمه جزئی از زنجیره بزهکاری‌اند، مستحق مجازات اعدام هستند و این کیفر، واکنش مناسبی در قبال عمل آنان است؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا به بررسی اشتباه مقنن طی مسیر مکافات‌دهی با اعدام و سپس به بیان برخی نتایج این کج‌روی می‌پردازیم.

۱-۱. مکافات‌دهی با اعدام، مسیری اشتباه

از دیدگاه فلسفی، اصل کرامت ذاتی انسان اقتضاء دارد که حیات انسان سلب نشود و محترم بماند. حیات انسان را خدا داده است و جز او کسی حق سلب آن را ندارد. از لحاظ آموزه‌های اسلامی هم حق حیات جز در مورد جرائم و مجازات‌های منصوص اعم از قصاص و حدود که جرائم قاچاق مواد مخدر مصداق هیچ کدام از آنها نیست، سلب‌شدنی نیست.^۱ باید توجه داشت که کرامت ذاتی شامل همه انسان‌ها اعم از مجرم و غیرمجرم است است و نباید آن را با کرامت اکتسابی که با کوشش و تلاش انسان به‌دست می‌آید مانند

۱. در مورد جواز یا عدم جواز اجرای حد در زمان غیبت (ر.ک. خوانساری، ۱۳۶۴: ۴۱۱؛ میرزای قمی، ۱۳۹۶ ق: ۷۱۳-۷۱۲؛ محقق داماد، ۱۳۷۹: ۲۸۵). توضیح اینکه برخی از فقهای امامیه اجرای حد در زمان غیبت را جایز نمی‌دانند و حتی بر آن ادعای اجماع کرده‌اند. به اعتقاد ایشان اجرای حد از وظایف امام معصوم (ع) است و اجرای آن در زمان غیبت از مصادیق ایذاء و ایلام بدون مجوز است. مجوز برای اجرای قصاص وجود دارد و آن عبارت از آیه شریفه «و جعلنا لولیه سلطاناً فی القتل» (قرآن، سوره اسراء، آیه ۳۳) است در حالی که چنین نصی و مجوزی درباره اجرای حدود به دست غیرمعصوم نیست. با وجود این، اصل (۱۵۶) قانون اساسی که در بند «۴» خود «اجرای حدود و مقررات بدون جزایی اسلام» را از وظایف قوه قضائیه می‌داند، این دیدگاه را نپذیرفته است.

تحصیل تقوی، دانش و فضایل دیگر، اشتباه گرفت. مجرم حتی با ارتکاب جرم کرامت ذاتی خود را از دست نمی‌دهد و همچنان انسان است و حق حیات او سلب‌نشده است. صرف‌نظر از این دیدگاه که مورد توجه نظام‌های کیفری انسان‌مدار قرار گرفته و براساس آن نه تنها اعدام که در برخی از آنها مجازات حبس ابد هم لغو شده است، مجرمان قاچاق مواد مخدر را نمی‌توان مستحق مجازات اعدام دانست؛ زیرا در آن حدی که مثلاً قتل عمد نظم عمومی را برهم می‌زند، قاچاق مواد مخدر چنین نمی‌کند و عقلای جامعه همچنین تلقی از مجرم قاچاق مواد مخدر ندارند. جامعه بین‌المللی هم پذیرفته است که مجرم قاچاق مواد مخدر شایسته مجازات اعدام نیست.

قاچاق مواد مخدر یک پدیده چندبعدی است و دولت‌ها نمی‌توانند فقط از یک دید به آن نگاه کنند. درصد زیادی از کسانی که درگیر قاچاق مواد مخدر می‌شوند، به دلیل مشکلات اقتصادی از قبیل فقر و بیکاری و درگیر شدن با آثار رکود اقتصادی از جمله ورشکستگی و آثار زیان‌بار آن است. فقر، بیکاری و رکود اقتصادی، هم حاصل ناکارآمدی دولت‌هاست. از طرف دیگر تا زمانی که معتاد محتاج و مشتاق مواد مخدر وجود دارد، قاچاق آن هم وجود دارد. کسانی هم که عمدتاً دستگیر شده و در چرخه عدالت کیفری قرار می‌گیرند، افراد حاضر در صحنه حمل و نقل مواد مخدرند (مباشران مادی) ولی افراد پشت پرده که سودهای کلان عاید آنها می‌شود (محرکان و مباشران معنوی)، هیچگاه دستگیر نمی‌شوند. در مصاحبه‌ای که در تاریخ ۱۳۷۵/۸/۲۷ پیش از اجرای حکم با یکی از اعدام‌شدگان ۲۶ ساله، اهل بروجرد، متأهل و دارای شش فرزند بود، انجام شده گفته است: «عوامل اصلی مواد مخدر اینهایی نیستند که اعدام می‌شوند یا در زندان بسر می‌برند؛ اینها پادو و عوامل دیگران هستند. قاچاقچیان اصلی با پولی که جلوی مردم می‌ریزند، همه را جذب می‌کنند. متهمی اعدام می‌شود و دیگری وسوسه می‌شود. قاچاق مواد مخدر خیلی استفاده دارد. آنهایی که این کار را می‌کنند و جوان‌ها را تور می‌زنند و به‌عنوان پادو به خطر می‌اندازند، لابد سود خوبی دارند» (اکبری، ۱۳۷۹: ۲۸۹).

به‌این ترتیب تا زمانی که معتادان نیاز به مواد مخدر دارند و افراد پشت پرده هم همچنان حضور دارند، نمی‌توان همه ابعاد مذکور را نادیده گرفت و فقط به فکر

انتقام‌جویی از مجرمی بود که عمده دلیل مجرم بودنش فقر و بیکاری است و فقط جزئی کوچک از یک زنجیره بزهکاری است. بر این اساس صرف نظر از افکار عمومی که احساسی است و از روی سطحی‌نگری می‌اندیشد، اندیشمندان و عقلای جامعه چنین مجرمی را شایسته مکافات به نام اعدام نمی‌دانند. با اعدام این مجرم در واقع به مبارزه با معلول می‌پردازیم در حالی که علت کماکان باقی است و چنین مبارزه‌ای هیچگاه با خود پیروزی برای جامعه به ارمغان نمی‌آورد. بهای این داد و ستد مجرمانه ستاندن جان گرامی خداداده نیست، آن‌هم وقتی دولت هیچ کاری برای آنها انجام نداده است.

بر این اساس امروزه جامعه بین‌المللی در اسناد حقوق بشری متعددی از جمله بند «۲» ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پذیرفته است که از مجازات اعدام جز در موارد «مهم‌ترین جنایات»^۱ یعنی جرائم عمدی با عواقب شدید مرگبار نمی‌توان استفاده کرد (Hood and Hoyle, 2008: 132) و جرائم مرتبط با مواد مخدر هم از زمره مهم‌ترین جرائم نیست که سزاوار مجازات اعدام باشد (Ibid., 139). در پروتکل اختیاری دوم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۸۹ که تا دسامبر ۲۰۱۵، ۸۱ کشور از سراسر جهان به آن ملحق شده‌اند و پروتکل کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر برای الغای مجازات اعدام ۱۹۹۰ که ۱۳ کشور قاره آمریکا به آن ملحق شده‌اند و همچنین در پروتکل شماره ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۸۳ که ۴۶ کشور اروپایی به آن ملحق شده‌اند حذف مجازات اعدام برای تمام جرائم پذیرفته شده است و کشور عضو فقط برای زمان جنگ می‌تواند آن را حفظ کند. در پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۲۰۰۲ که ۴۴ کشور اروپایی آن را پذیرفته‌اند مجازات اعدام حتی در زمان جنگ نیز قابل اعمال نیست.

به تعبیر بکاریا، شدت مجازات سودی در کنترل جرم ندارد؛ بلکه قطعیت اجرای آن است که چنین نقشی را ایفا می‌کند. چشم‌انداز یک کیفر ملایم اما اجتناب‌ناپذیر همواره تأثیر بیشتری دارد تا ترس نامشخص از مجازات هولناک که امید به عدم اجرای آن می‌رود (پرادل، ۱۳۸۱: ۵۰).

به این ترتیب به نظر می‌رسد در خصوص هدف مکافات‌دهی یا انتقام، مقنن به بیراهه رفته است و اصول اخلاقی، انسانی حاکم بر مجازات‌ها و تجربیات کشورهای دیگر در این زمینه را نادیده گرفته است. این در حالی است که در جامعه امروز ایران ضعف دولت در برطرف کردن زمینه بروز وضعیت‌های پیش‌جنایی را هم نمی‌توان منکر شد. به عبارت دیگر با توجه به وضعیت بیکاری و عدم اشتغال، خود دولت هم تا حدود زیادی در سوق داده شدن شهروندان به طرف جرم قاچاق مواد مخدر مقصر است. با این وصف به طریق اولی بقا و اعمال مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر فاقد توجیه است (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۳۳؛ رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۶۳). در پایان این بحث باید اشاره کرد که امروزه با توجه به هدف‌های دیگر مجازات یعنی جلوگیری و اصلاح، هدف سزادهی یا مکافات یا انتقام‌جویی به خصوص برای جرم قاچاق مواد مخدر که جنبه مالی و اقتصادی دارد خودبه‌خود و بدون توجه به کلیت حیات اجتماعی تا حد زیادی مورد حمله و انتقاد حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است (صانعی، ۱۳۷۱: ۱۶۷)؛ زیرا ارتکاب جرم معلول عوامل متعددی است و در واقع مجرم بخشی از یک زنجیره بزهکاری است که نمی‌توان با رها کردن و نادیده گرفتن حلقه‌های متعدد و متنوع آن زنجیره، از جمله علل و عوامل جرم، فقط به فکر انتقام‌جویی از مجرم بود.

۱-۲. نتایج مسیر اشتباه هدف مکافات‌دهی با اعدام

بیراهه رفتن مقنن در وضع مجازات اعدام برای قاچاق مواد مخدر هزینه‌های جبران‌ناپذیر زیادی را بر دوش جامعه گذاشته است. صرف نظر از این هزینه‌ها که به برخی از آنها در مطالب بعدی مقاله اشاره خواهد شد، در این قسمت هماهنگی با مطالب فوق و برای نشان دادن اینکه قضات هم چندان تمایل و اعتقادی به مجازات اعدام وضع شده برای قاچاق مواد مخدر ندارند، به نتیجه منفی بیراهه رفتن مقنن اشاره می‌شود و آن شکافی است که این اقدام مقنن بین سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی قضایی ایجاد کرده است. حقیقت آن است که قانونگذار ایران از محدود قانونگذارانی است که به اعمال شیوه‌های سرکوبگرانه نسبت به مواد مخدر شهرت دارد. اما به رغم این سیاست کیفری سخت‌گیرانه، موفقیت چندان‌ی به دست نیامده و اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، سیر صعودی خود را طی کرده است.

یکی از علت‌هایی که برای این عدم موفقیت برشمرده می‌شود، آن است که قانونگذار به صورت مجرد و بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود، مجازات‌های سختی را در نظر می‌گیرد که قابل اجرا نیست و در نتیجه دادگاه‌ها تلاش می‌کنند به نحوی از اعمال مجازات‌های سخت خودداری کنند (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۹؛ آشوری، ۱۳۷۹: ۳۳۷). این امر نشان می‌دهد سیاست جنایی قضایی در این زمینه هماهنگ با سیاست جنایی تقنینی نیست و کاملاً در جهت مقابل آن حرکت می‌کند.

درواقع قضات صادرکننده حکم اعدام نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرند تا از ظرفیت‌های قانونی موجود نهایت استفاده را برای دور زدن مجازات اعدام ببرند. در این خصوص پژوهشگران آمارهایی هم ارائه داده‌اند (قناد، ۱۳۷۹: ۲۳۵-۲۳۱؛ اکبری، ۱۳۷۹: ۳۰۶) که از تکرار آنها خودداری شده و فقط خلاصه آنها ذکر می‌شود.

در یک مورد از بین ۱۲۵ هزار پرونده مواد مخدر که مورد بررسی قرار گرفته است، ۲۰۰۰ فقره آن منجر به صدور حکم اعدام برای متهمان شده است. از این تعداد حکم اعدام نیز فقط ۱۲ درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه یا مشمول عفو واقع شده یا به دلیل واقع‌بینی دیوان عالی کشور نقض شده‌اند (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹: ۳۳؛ نقل از اکبری، ۱۳۹۳: ۲۵). در مورد دیگری مشخص شده است که از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ برای نزدیک به یک الی دوسوم از احکام تأیید شده اعدام، تقاضای عفو شده است و با مراجعه به آمار اعدامیان سازمان زندان‌ها در زمان اجرای احکام صادره، دوباره ۱۰ درصد آنها اجرا نگردیده است یا برخی مواقع فقط یک‌چهارم آنها به مرحله اجرا درآمده است. یعنی ۷۵ درصد از این احکام اجرا نشده است (اکبری، ۱۳۷۹: ۳۰۶-۳۰۵). در مورد دیگری در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به ترتیب از بین ۱۵۸۶۹ و ۱۳۲۵۲ متهمان مستحق مجازات اعدام، فقط به ترتیب ۱۷۲۵ و ۲۳۹۰ مورد حکم اعدام صادر شده و از بین موارد مذکور فقط ۴۰۴ و ۴۰۳ مورد تأیید و از این میان ۲۲۴ و ۲۲۶ مورد اجرا شده است (سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹: ۶۷). در نمونه دیگری مشخص شده است که در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ در ۷۰ درصد پرونده‌های قاچاق تریاک و ۹۰ درصد پرونده‌های قاچاق هرئین حکم اعدام به جهات و دلایل مختلف به حبس ابد تبدیل شده است (قناد، ۱۳۷۹: ۲۳۳).

درواقع یکی از مشکلات مهم در زمینه سیاست جنایی مواد مخدر، تعارض سیاست جنایی تقنینی با سیاست جنایی قضایی است که آن هم ناشی از شدت مجازات‌های مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر به خصوص مجازات اعدام است. در حالی که وصول به اهداف سیاست جنایی تقنینی در گرو همسویی سیاست جنایی قضایی با آن است. اگر این همسویی بین مراجع تقنینی و قضایی نباشد یا متزلزل شود، امر مبارزه با جرائم مختل گشته و از مسیر مورد نظر خارج خواهد شد. به خصوص زمانی که قانون جزایی از نظر توجیه اجرای مجازات، منطبق و هماهنگ با باورهای دست‌اندرکاران دستگاه عدالت کیفری به ویژه قضات نباشد که متأثر از افکار عمومی جامعه هستند، تبدیل به یک قانون خنثی و ناموفق خواهد شد (اکبری، ۱۳۹۳: ۲۴). بنابراین قانونگذار در وضع مجازات‌ها باید با توجه به میزان قبح اجتماعی جرائم، ضمانت اجرایی مناسب را در نظر بگیرد تا مجریان در اجرای آن با اختلال مواجه نشوند، زیرا هر چند قضات مجری قانون‌اند و هر آنچه قانون بگوید اجرا می‌کنند، اما در صدور آرای قضایی، نیروی دیگری نیز دخالت دارد. نیرویی که در مقابل جبر بیرونی قانون از ندای درونی بشر برمی‌خیزد و آن ندای درونی، وجدان دادرس است که از وی می‌خواهد رأی را با عدالت منطبق سازد، چه همواره قوانین عادلانه به نظر نمی‌رسند و با عدالت منطبق نیستند (گودرزی، ۱۳۸۱: ۲۷؛ کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۶۵).

۲. بررسی هدف تأمین مصلحت نظام و جامعه

یکی از اهداف مدنظر مقنن برای کیفر اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر، تأمین مصلحت نظام و جامعه بوده است. این هدف از آنجا قابل استنباط است که قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است و این مجمع، «مصلحت نظام» را در تصویب و تأیید این قانون و مجازات‌های مقرر در آن از جمله مجازات اعدام دیده است. این امری است که مسئولان قضایی کشور هم بر آن تأکید داشته‌اند. به تعبیر رئیس وقت قوه قضائیه: «ضرورت حفظ حیات، نظم و سلامت جامعه تشدید مجازات قاچاقچیان را اقتضا می‌کند» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۹: ۸). در نگاه اولیه و ظاهری، این دیدگاه درست است، زیرا جرائم مواد مخدر از زمره جرائمی است که تهدیدی بزرگ برای آحاد جامعه

می‌باشد و می‌تواند نظام اسلامی و جامعه را با مشکلات فراوانی مواجه کند. از این رو قانونگذار تلاش کرد با پیش‌بینی شدیدترین ضمانت اجرای کیفری در قبال این جرائم به مبارزه با آن برخیزد و خطر بزرگ مبتلا شدن جامعه به مواد مخدر را دفع کند. اما آیا به راستی این امر محقق و مصلحت فوق تأمین شده است؟

اگر به این موضوع با دقت نگاه کنیم، مشخص می‌شود تعیین و اجرای مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر مصلحت نظام و جامعه ما را تأمین نکرده است؛ زیرا اولاً همان‌طور که در بخش بعدی خواهیم دید مجازات‌های شدید و از جمله اعدام که قرار بود جرائم فوق را ریشه کن کند یا کاهش دهد همچنان پابرجاست. ثانیاً اجرای مجازات اعدام در مورد جرائم مواد مخدر باعث شده است تا گزارشگران حقوق بشر صفحات ابتدایی گزارش خود را با ذکر آمارهای این اعدامیان پر کرده و زمینه‌ساز محکومیت ایران در مجامع بین‌المللی و حقوق بشری شوند. توضیح اینکه مطابق بند «۲» ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران هم به آن ملحق شده و متعهد به انجام تعهدات مندرج در آن است، مجازات اعدام باید صرفاً در مورد مهم‌ترین جرائم به کار گرفته شود و جرائم مرتبط با مواد مخدر بنا به اعتقاد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و کمیسیون عفو بین‌الملل از زمره مهم‌ترین جرائم نیست که قابل مجازات اعدام باشد. به بهانه وجود این مجازات‌ها هر ساله برای نظارت بر رعایت موازین حقوق بشر در ایران، گزارشگر ویژه تعیین می‌شود و نهایتاً هم ایران به‌عنوان کشور ناقض حقوق بشر معرفی می‌شود. این امر علاوه بر بار فرهنگی آن که کشور ایران را نزد افکار عمومی جهانی منفی جلوه می‌دهد، زمینه‌ساز فشارهای بین‌المللی نیز می‌شود. از جمله در گزارش منتشر شده در سال ۲۰۱۶ کمیسیون عفو بین‌الملل آمده است که ۸۹ درصد اعدام‌های سال ۲۰۱۵ فقط در سه کشور ایران، پاکستان و عربستان صورت گرفته که ایران در بین این سه کشور رتبه اول را دارد (Amnesty International Global Reports, 2016: 3). جالب آنکه در این میان ۹۰ درصد اعدام‌ها در ایران بنا به گفته مسئول ستاد حقوق بشر قوه قضائیه مربوط به جرائم مواد مخدر است (www.isna.ir/news/95050108387). بندهای «۲۲ تا ۲۷» گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد هم که در مجمع عمومی

سازمان ملل متحد توزیع عمومی شده، مربوط به گزارش اعدام‌های انجام شده در ایران است. در بند «۲۳» این گزارش آمده است: «هرچند قاچاق مواد مخدر چالش بزرگی برای جامعه جهانی است اما اجماع جهانی بر این قرار گرفته است که این جرم از جرائم مستوجب مجازات اعدام نیست». در بند «۲۴» این گزارش هم گفته شده است: «گزارشگر ویژه قویاً از دولت ایران می‌خواهد تا در قوانینی که جرائم قاچاق مواد مخدر را مستوجب مجازات اعدام می‌دانند بازنگری کند». این مطالب در بندهای «۱۲ تا ۱۶» گزارش ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ گزارشگر ویژه مجدداً تکرار شده‌اند. این درحالی است که به شهادت آمارها - که در قسمت بعد ارائه می‌گردد - مجازات اعدام نتوانسته از وقوع جرائم مواد مخدر جلوگیری کند. افزون بر مطالب فوق که حاکی از محکومیت ایران در مجامع بین‌المللی به دلیل استفاده از مجازات اعدام در مواد مخدر است، از سال ۱۳۵۷ تا پایان سال ۱۳۹۳ بنا به آمار رسمی ستاد مبارزه با مواد مخدر تعداد ۳۷۶۶ نفر از جوانان ایران در راه مبارزه با مواد مخدر جان خود را فدا کرده و شهید شده‌اند (www.dchq.ir/images/shohada). به تعبیر یکی از پژوهشگران «در حقیقت ملت ایران از دو جهت گرفتار مصیبت شده‌اند: یکی از طرف معدومین و خانواده‌های آنان که جزئی از این ملت بزرگ بوده و لطمه دیدن آنها ضایعه‌ای است بزرگ بر پیکر اجتماع و دیگری از دست دادن باتجربه‌ترین، پاک‌ترین و باشرف‌ترین فرزندان خود که همانا شهدای عزیز باشند» (اکبری، ۱۳۷۹: ۳۰۸). به هر تقدیر با در نظر داشتن جهات فوق، پیش‌بینی مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر نه تنها «مصلحت نظام و جامعه» را تأمین نکرده است که منافی و معارض آن هم بوده است. این عدم تأمین مصلحت هم در حوزه داخلی و هم در حوزه بین‌المللی است. اگر این نکته را در نظر بگیریم که فراوانی مجازات اعدام در قاچاق مواد مخدر ممکن است باعث خلط بحث قصاص نفس با مجازات اعدام در مواد مخدر شود، فاقد مصلحت بودن وجود حکم اعدام در مواد مخدر روشن‌تر جلوه می‌کند.

۳. بررسی هدف ارباب یا بازدارندگی عام

یکی از مهم‌ترین هدف‌هایی که برای مجازات ذکر شده، هدف ارباب یا بازدارندگی

است (شیکر، ۱۳۹۳: ۳۶؛ صانعی، ۱۳۷۱: ۱۶۰). از دیدگاه بنتام چنانچه رنج تحمل مجازات از لذت تحصیل احتمالی منافع جرم خاص بیشتر باشد، مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم خودداری خواهند کرد (صانعی، ۱۳۷۱: ۱۶۰). بر این اساس هرچه جرم از دید مقنن سنگین تر باشد، مجازات سنگین تری باید وضع شود تا هدف ارعاب محقق شود. در حقوق ایران مهم ترین هدف مقنن از تعیین کیفر اعدام برای قاچاق مواد مخدر، ارعاب عام یا بازدارندگی عمومی است. مقنن در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۷۶ به این نتیجه رسید که سخت ترین و شدیدترین واکنش کیفری را در برابر جرائم مواد مخدر انتخاب کند تا از میزان وقوع این جرائم کاسته و پیشگیری عمومی از ارتکاب جرم محقق شود. اما آمارهایی که در این زمینه وجود دارد، بیانگر آن است که مقنن توفیق چندانی در زمینه تحقق هدف ارعاب عام نداشته است. در ادامه طی دو مبحث ابتدا به مرور برخی آمارهایی می‌پردازیم که در این زمینه در ایران ارائه شده و سپس به بحث از پیش شرط‌های تحقق هدف ارعابی خواهیم پرداخت.

۱-۳. ارزیابی هدف ارعابی مجازات اعدام در قاچاق مواد مخدر

مهم ترین عامل ارزیابی هدف ارعابی، ذهنیت انسان‌ها نیست بلکه فقط آمار است. حفظ حیات انسان‌ها ارزش آن را دارد که حتی برای چند سال اعدام‌های مواد مخدر لغو شده و منتظر ارزیابی آن باشند. کسانی که به صورت ذهنی مدعی‌اند هدف ارعابی یا بازدارندگی عام در حال حاضر هم محقق شده و نگران هستند که با حذف مجازات اعدام از قاچاق مواد مخدر، جرائم مذکور زیاد شود و نیازی به ارزیابی عینی در این خصوص نمی‌بینند، جان انسان‌ها برایشان ارزشی ندارد.

هرچند آمار کمی در اختیار پژوهشگران قرار دارد اما همین آمارها، فرضیه ناکارآمدی مجازات اعدام برای قاچاق مواد مخدر را به خوبی اثبات می‌کنند. یکی از آمارهایی که بازدارندگی اعدام در جرائم مواد مخدر را با تردید جدی مواجه می‌کند، آمار مربوط به کشفیات مواد مخدر است که همواره رشد داشته است. از جمله در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۷ این میزان به ۱۷ برابر افزایش یافته است (اکبری، ۱۳۷۹: ۳۰۵). جمعیت

کشور در سال ۱۳۵۸ حدود ۳۶ میلیون نفر بوده که اگر رشد جمعیت را تا سال ۱۳۷۷ دو برابر (۷۲ میلیون) فرض کنیم، باز افزایش جرائم مواد مخدر نسبت به افزایش جمعیت سرسام آور است (همان).

آمار دیگری که آشکارا کارکرد بازدارندگی مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر را نفی می کند و نشان می دهد مقنن در محقق کردن هدف ارباب عام با شکست مواجه شده است، آمار دستگیرشدگان جرائم مواد مخدر است. آمار قاچاقچیان در سال ۱۳۵۸، ۹۸۶۷ نفر و در سال ۱۳۷۷، ۱۹۱۶۱۵ نفر یعنی ۲۰ برابر است. آمار قاچاقچیان دستگیر شده در سال ۱۳۶۸، ۲۴۵۸۴ نفر و در سال ۱۳۷۷، ۸۱۰۸۷ نفر یعنی نزدیک به چهار برابر است (همان). این در حالی است که مجازات اعدام در طول سال های یاد شده همواره وجود داشته و از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۸ تعداد ۸۹۹۷ نفر مجرم مواد مخدر به اعدام محکوم شده اند (ساکی، ۱۳۹۱: ۲۴۶). بنابراین ارتباطی بین اجرای مجازات اعدام و کاهش جرائم مواد مخدر که در هدف ارباب عام دنبال می شود وجود ندارد.

در پژوهش اداره کل مطالعات و پژوهش های ستاد مبارزه با مواد مخدر تحت عنوان: «تأثیر اعدام در روند مبارزه با مواد مخدر در استان کرمان (۱۳۷۶-۱۳۶۷)» مشخص شد که ارتباطی بین مجازات اعدام و کاهش ارتکاب جرم قاچاق مواد مخدر قابل مجازات اعدام وجود ندارد. این عدم تأثیر به حدی است که در بسیاری از باندهای قاچاق مواد مخدر، پس از کشته شدن رئیس باند، پسر ارشد یا برادر او جایگزین می شود (غلامی، ۱۳۸۲: ۱۵۸). این پژوهش نشان می دهد: «افزایش تعداد مجرمین مواد مخدر در سال های اخیر مؤید این نکته است که مجازات قاچاقچیان باعث درس عبرت نشده است» (همان: ۲۳۵).

براساس آمار دیگری، شمار اعدام شدگان از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۴ به شش برابر افزایش یافته است. در مقابل آمار کشفیات مواد مخدر نیز تا سال ۱۳۷۴ به سه برابر افزایش یافته که تقریباً با آمار معدومان همخوانی دارد. یعنی می توان نتیجه گرفت که اعدام مجرمین در کاهش جرم تأثیری چندان قوی نداشته است و به تناسب افزایش اجرای حکم اعدام، فعالیت قاچاقچیان مواد مخدر نیز افزایش یافته است (اکبری، ۱۳۷۹: ۲۹۵).

پژوهش دیگری که در مورد دستگیری های مرتبط با مواد مخدر در استان مازندران

انجام شده است، میزان دستگیری‌ها را از ۸۱ نفر (در ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) در سال ۱۳۷۵ به ۵۱۹ نفر (در ۱۰۰ هزار جمعیت) در سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد؛ یعنی ۶/۴ برابر افزایش داشته است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۹۵-۲۹۴).

آخرین آماری که در این قسمت بیان می‌شود سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری خود در تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۲ ارائه کرده است. این آمارها در سال ۱۳۹۴، کشف بیش از ۱۲۴ تن مواد مخدر را نشان می‌دهد که در برخی از این پرونده‌ها ۲۰۰ کیلو هروئین با ۱۰۰ کیلو شیشه کشف شده است. همچنین ۴۲ درصد مجرمان، مربوط به جرائم مواد مخدر هستند که این میزان بعضاً تا ۴۴ درصد زندانیان افزایش یافته است (www.khabaronline.ir/detail/525858/society/judiciary). در تحقیقاتی که چند سال اخیر در کشورهای دیگر از جمله ایالات متحده آمریکا صورت گرفت مشخص شده است که شدید بودن مجازات هیچ تأثیری در بازدارندگی ندارد (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۴۸-۱۴۱). به تعبیر برخی پژوهشگران این حوزه، بازدارندگی قطعی مجازات اعدام در جلوگیری از قاچاق مواد مخدر؛ توجیه مطرح شده از طرف همه کشورهایی است که در آنها از این مجازات استفاده می‌شود، اما هیچ مدرک و آماری برای دفاع از این فرضیه ارائه نشده و احتمالاً قابل ارائه هم نیست. به نظر می‌رسد بازدهی کم اجرای قانون و مصونیت احتمالاً زیاد افرادی که بیشترین سود را از تجارت مواد مخدر می‌برند و نسبت به دیگران با خطر کمتر خشونت و مرگ مواجه‌اند همگی باعث می‌شود تا اعتقاد به این فرضیه که استفاده از مجازات اعدام در مورد این جرائم بازدارندگی بیشتری نسبت به حبس‌های طولانی مدت دارد را غیرقابل باورتر جلوه دهد (Hood and Hoyle, 2008: 132).

علاوه بر آمارهای فوق، باید به این نکته هم توجه داشت که آثار سوء مجازات اعدام بر خانواده محکومان، احتمال ارتکاب جرائم مواد مخدر و افزایش آمار وقوع این جرائم را تقویت می‌کند؛ زیرا بعضاً مشاهده شده که فرزندان محکومان به اعدام به طریقی اسیر باندهای مواد مخدر شده و به گمان خود برای انتقام‌جویی در امر مواد مخدر فعال شده و راه آنان را ادامه می‌دهند که این راه و روش با اهداف مجازات اعدام که مقنن امید پیشگیری و ارعاب دارد، مطابقت ندارد و نتیجه منفی نیز دربردارد (اکبری، ۱۳۷۹: ۲۸۵). به دلیل همین آثار سوء، برخی فقها اجرای اعدام در این جرائم را از باب دفع فساد به افسد و

خلاف هدف شارع مقدس اسلام که مبارزه با فساد است، دانسته‌اند (مرعشی، ۱۳۷۹: ۱۷۱). بنابراین آنچه گفته شد، محقق شدن هدف ارعابی مدنظر مقنن برای مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر با تردید جدی مواجه است و این مجازات نتوانسته وقوع جرائم مواد مخدر را کاهش دهد. این امر نشان می‌دهد که پیشگیری عمومی از ارتکاب جرم لزوماً منوط به انتخاب شدیدترین واکنش‌های کیفری نیست و چه بسا اجرای چنین واکنش‌هایی نتیجه عکس به همراه داشته باشد که در زمینه جرائم مواد مخدر دقیقاً همین اتفاق رخ داده است. آمار رو به افزایش کشف مواد مخدر و دستگیری مجرمان جرائم مواد مخدر، خود به روشنی گویای شکست سیاست جنایی سرکوبی و لزوم تجدیدنظر در مجازات‌های این جرائم به خصوص کیفر اعدام است.

در پایان متذکر می‌شود که نگارندگان متوجه‌اند که افزایش جرائم الزاماً به معنی عدم تحقق کامل هدف ارعابی نیست؛ شاید اگر مجازات اعدام نبود میزان ارتکاب جرائم مواد مخدر بسیار افزون‌تر از آمارهای ارائه شده در فوق بود؟! بر این اساس نمی‌توان براساس این آمارها به صورت قطعی داوری کرد و به اثبات فرضیه ناکارآمدی کامل مجازات اعدام و عدم موفقیت کامل آن پرداخت. با وجود این، صرف این آمارها حداقل نشانه کامل و غیرقابل خدشه ناکارآمدی نسبی مجازات اعدام و عدم موفقیت نسبی سیاست کیفری فوق است و برای تجدیدنظر در این مجازات سنگین کافی است. مضافاً که خود این امر یک احتمال است و با احتمال نمی‌توان به سلب حیات انسان‌ها پرداخت.

۲-۳. علل ناکامی در هدف ارعابی

برای اینکه هدف ارعابی محقق شود و بتواند باعث رویگردانی مردم از ارتکاب جرم شود، باید شرایطی مهیا باشد. از جمله این شرایط پذیرش جرم‌انگاری انجام‌شده توسط مردم و به عبارت دیگر مقبولیت اجتماعی اقدام مقنن نزد افکار عمومی است (Schonsheck, 1994: 64). شرط دیگر و مهم‌تر برطرف کردن علل و عوامل وقوع جرم و به تعبیر یکی از حقوق‌دانان رفع نیازهاست (صانعی، ۱۳۷۱: ۱۶۳). با توجه به اینکه داوری در مورد شرط اول نیازمند افکارسنجی در این خصوص است که در دسترس نیست، از اظهارنظر در خصوص آن

خودداری می‌شود. آنچه البته با احتیاط قابل بیان است اینکه حداقل بخشی از مردم در بخشی از مناطق ایران جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر آن هم با مجازات سنگین اعدام را قبول ندارند. مسئولان سیاسی - امنیتی برخی از استان‌ها صریحاً اظهار داشته‌اند که قبح مصرف مواد مخدر در بخش‌هایی از استان شکسته شده و از مواد مخدر به‌عنوان کالایی لوکس در پذیرایی از میهمانان استفاده می‌شود (غلامی، ۱۳۸۲: ۳۵). در بخشی دیگری از جامعه به خرید و فروش مواد مخدر به‌عنوان تجارتي که طرف با رضایت کامل پول می‌دهد و مواد تحویل می‌گیرد، نگاه می‌شود (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۳۵). در مصاحبه‌ای که در تاریخ ۱۳۷۵/۸/۲۷ پیش از اجرای حکم با یکی از اعدام‌شدگان که ۳۱ ساله، اهل زابل، متأهل و دارای سه فرزند بوده، صورت گرفته نامبرده، از عمل خود پشیمان بوده ولی حکم اعدام را در حق خود عادلانه نمی‌داند. خیلی آرام و با آرامش خاطر که عجیب می‌نماید می‌گوید مرگ حق است، چه از جانب خدا، چه اعدام (اکبری، ۱۳۷۹: ۲۸۷). این مطالب نشان می‌دهد نامبرده اساساً خود را گناهکار ندانسته و حکم اعدام در مواد مخدر را قبول ندارد. به عبارت دیگر حکم اعدام حداقل نزد این شخص و کسان دیگری که مثل او می‌اندیشند و کم هم نیستند، مقبولیت اجتماعی ندارد.

اما در خصوص شرط دوم محقق شدن هدف اربعایی، یعنی خشکاندن علل و عوامل جرم یا رفع نیازها، باید اظهار داشت تا زمانی که در جامعه نیاز یا نیازهایی وجود دارد که به طریق قانونی تأمین‌شدنی نیست، لاجرم راه‌حل‌های غیرمشروع و مجرمانه‌ای برای تأمین آنها پیدا می‌شود (صانعی، ۱۳۷۱: ۱۶۳). در خصوص قاچاق مواد مخدر سه‌گونه نیاز باعث گرایش مجرمان به سمت آن می‌شود و تا این سه نیاز باقی است، مسئله تأمین نیاز هم باقی است. اول، نیاز مالی و اقتصادی است که البته دولت هم در عدم رفع آن بی‌تقصیر نیست. در مصاحبه‌ای که از حدود ۳۰ نفر از مرتکبان مواد مخدر به عمل آمده، اولین و مهم‌ترین عامل گرایش به قاچاق مواد مخدر، «فقر مادی، تنگدستی و نبود کار و عدم امکان تأمین زندگی متوسط» ذکر شده است (اکبری، ۱۳۷۹: ۲۸۲). وقتی فردی برای بدیهی‌ترین نیاز خود یعنی تأمین غذای ساده برای خود و فرزندانش به جهت فقر و بیکاری با مشکل جدی مواجه است و از هیچ راه دیگری این نیاز اقتصادی تأمین‌شدنی نیست، ناچار به سمت قاچاق

مواد مخدر برای تأمین آن نیاز اقتصادی سوق پیدا می‌کند. در جامعه امروز ایران فقر و بیکاری قابل انکار نیست، به‌نحوی که معاون وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مصاحبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۵، اظهار داشته است که «۳۰ درصد مردم گرسنه‌اند و نان برای خوردن ندارند. سالانه ۷۰۰ هزار نفر در ایران به‌دلیل هزینه‌های درمان و رشکست می‌شوند. ۲۵ درصد جمعیت شهری ایران یعنی از هر چهار نفر، یک نفر حاشیه‌نشین هستند و ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شناسایی شده‌اند» (www.namehnews.ir/fa/news/352774).

برای نشان دادن اینکه مشکل آن‌چنان دامنگیر است که همه اعم از عالی و دانی و باسواد و بی‌سواد یکسان آن را درک کنند به مصاحبه‌ای که در تاریخ ۱۳۷۵/۸/۲۷ پیش از اجرای حکم با یکی از اعدام‌شدگان انجام شده اشاره می‌شود که ۳۵ ساله، اهل گرگان، مجرد و زمانی رزمنده بوده، نامبرده گفته است: «چرا جنبه‌های دیگر قضیه را در نظر نمی‌گیرید و فقط مبارزه قضایی می‌کنید؟ کدام کشور این قدر اعدام دارد؟ درصد بالایی از مردم معتاد هستند. فقط مردم مقصرند؟ به نظر من دولت مقصر است. انسانی که بچه‌اش گرسنه است دیگر نمی‌داند چه می‌کند. اول مسائل اقتصادی را درست کنید، بعد با خلافکار مبارزه کنید. یکی از شرکای هم جرم من پنج بچه و دیگری سه بچه دارد. با کشتن آنها، بچه‌ها در اجتماع رها می‌شوند. چه کسی آنها را پوشش می‌دهد؟ این بچه‌ها چگونه تربیت می‌شوند؟ آیا با اعدام کردن می‌شود مشکل را حل کرد؟ کسی که به‌عنوان قاچاقچی بین‌المللی اعدام می‌شود، یک موکت در زندگی ندارد» (اکبری، ۱۳۷۹: ۲۸۸).

بنابراین واضح است که تا این مشکلات که رفع آنها هم جز توسط دولت امکان‌پذیر نیست، وجود دارد، نباید انتظار معجزه از مجازات اعدام برای کنترل معضل مواد مخدر داشت. اعدام خود معضل است و با آن نمی‌توان معضل مواد مخدر را حل کرد. حل معضل مواد مخدر نیاز به حل معضلات اشاره شده در مصاحبه معاون وزیر بهداشت دارد و لاغیر. دومین نیاز، پناه بردن به ماده‌ای برای رهایی از افکار ناراحت‌کننده ناشی از معضلات اشاره شده در فوق است. به تعبیر برخی پژوهشگران، «در جامعه‌ای که تخدیر اعصاب برای تحمل مشکلات متعدد زندگی روزمره به‌عنوان نیاز واقعی احساس می‌شود، وجود وسائل قانونی یا غیرقانونی برای تأمین این نیاز ضروری است. اگر نیاز به استراحت، تفریح و

تخدير اعصاب از راه ورزش، فعاليت‌هاي گوناگون اجتماعي و فعاليت‌هاي هنري ممکن نباشد، قاچاق و استعمال مواد مخدر و ساير انحرافات رواني و اجتماعي در جامعه رواج مي‌يابد» (صانعي، ۱۳۷۱: ۱۶۴). سومين نياز، احتياج معتادان موجود در سطح جامعه به مواد مخدر است. معاون وزير بهداشت در مصاحبه فوق اظهار داشته که آمار ستاد مبارزه با مواد مخدر تعداد يک ميليون و سيصد و پنجاه هزار معتاد در کشور اعلام کرده است، اما آمارهاي وزارت بهداشت چيز ديگري را نشان مي‌دهد. طبيعتاً تا وقتي نياز اين معتادان به مواد مخدر باقي باشد، و دست ضابطان و قوه قضائيه هم به باندهاي نامرئي و پشت پرده نرسد، پديده قاچاق مواد مخدر همچنان باقي است و از اعدام هم کاري ساخته نيست. در يک کلام در برخورد و مبارزه با مواد مخدر بايد با علل و عوامل برخورد کرد نه با معلول. مجرم معلولي بيش نيست و با حذف او از جامعه، ديگري جاي او را پر خواهد کرد.

۴. جمع‌بندي، نتيجه‌گيري و پيشنهاد

وضع و اجرائي هر مجازاتي بايد موجه و منطقي و در راستاي تأمين منافع جامعه باشد. آنچه از مجموع آمارها و مستندات برمي‌آيد آن است که کيفر اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر در محقق کردن اهداف مجازات‌ها ناتوان بوده است. با وجود کيفر اعدام نه تنها از وقوع جرائم مواد مخدر کاسته نشد بلکه دستگيري‌هاي مجرمين اين جرائم و آمار کشفيات مواد مخدر افزايش يافت که حکايت از شکست در تأمين هدف ارعابي و جلوگيري عمومي از ارتکاب جرم مي‌کند. همچنين هدف اصلاحي مجازات‌ها که امروزه در حقوق کيفري نوين اهميت بسياري دارد با توجه به حذف مجرم از جامعه، منتفي است و اساساً مطرح نمي‌شود. به علاوه به لحاظ اجرائي کيفر اعدام در جرائم مواد مخدر، هر ساله ايران جزء رديف‌هاي اول تعداد بيشترين آمار اعداميان در سطح جهان قرار مي‌گيرد و گزارش آن در مجمع عمومي سازمان ملل هم مطرح مي‌شود. اين امر نشان مي‌دهد پيش‌بيني اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر و اجرائي آن، نه تنها کارآمدي لازم را نداشته بلکه در تضاد با مصالح و منافع جمهوري اسلامي ايران بوده و همچنين زمينه‌ساز فشارهاي بين‌المللي عليه ايران هم شده است. علاوه بر اين، از لحاظ قضايي نيز، بخش عمده‌اي از قضات دادگاه‌هاي انقلاب اعتقادي به ثمربخشي

اعدام در جرائم مواد مخدر ندارند. مقاومت قضات دادگاه‌ها در مقابل حجم گسترده مواردی که باید برای مقادیر اندک مواد مخدر، مجازات اعدام تعیین کنند، نمونه‌ای از عرف عقلای جامعه است که اعدام را نه راه حل که خود یک معضل دارای اثرات متعدد منفی شدید برای جامعه می‌دانند. همچنین آثار سوء مجازات اعدام بر خانواده آنها را نیز نباید نادیده گرفت. با اعدام مجرم، خانواده او بی‌سرپرست شده و در معرض مشکلات و مسائل فراوانی قرار می‌گیرند. از طرفی مشکلات اقتصادی به اعضای خانواده محکوم هجوم می‌آورد و ممکن است آنها را به سمت ارتکاب جرم سوق دهد و از طرف دیگر با بی‌سرپرست شدن فرزندان محکوم، آنها دچار مشکلات تربیتی و فرهنگی می‌شوند و چه بسا قدم در مسیر نادرست ارتکاب جرم بگذارند. مضافاً اینکه فرزندان اعدامیان، ممکن است با انگیزه گرفتن انتقام پدر خود، راه او را ادامه داده و در زمینه مواد مخدر فعال شوند که این امر نیز مغایر با هدف اربابی مجازات‌ها و جلوگیری عمومی از ارتکاب جرم است. به هر تقدیر با در نظر گرفتن جمیع جهات، مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر فاقد کارایی است و تجدید نظر در آن و جایگزینی مجازات‌های مناسب دیگر ضروری است.

به نظر می‌رسد برای مبارزه با مواد مخدر نباید فقط به فکر استفاده از سلاح مجازات آن هم به شدیدترین نحو ممکن بود. برای مبارزه با هر جرمی به خصوص قاچاق مواد مخدر که خود محصول فقر، بیکاری و عدم اشتغال است، باید به فکر رفع عواملی بود که این جرم محصول آن است. در مبارزه هم باید قبل از هر چیز به فکر اختلال بازار سودمند قاچاق مواد مخدر بود. مثلاً دنبال راه‌هایی برای عدم سوق جوانان به سوی مواد مخدر بود. وقتی نیاز و تقاضایی برای خرید مواد مخدر نباشد، باندها هم خودبه‌خود از بین خواهند رفت. ایجاد اشتغال و رفع فقر، سروسامان دادن حاشیه‌نشینان شهرها و برنامه‌های سالم تفریحی و شاد دیگر در این خصوص اولین اولویت و ریشه‌ای‌ترین کار است که در درازمدت به عدم نیاز به مواد مخدر منجر خواهد شد. اولویت بعدی آن است که با سلاح مجازات (آن هم نه اعدام که کارایی خود را از دست داده است) سراغ ریشه‌ها یعنی باندهای بزرگ تولید و عرضه مواد مخدر، آن هم با اولویت مواد مخدر صنعتی خطرناک‌تر مثل شیشه که امروزه خطر آن برای همه آشکار شده است، رفت. هزینه‌ها را باید برای انجام کارهای اطلاعاتی و امنیتی در مورد

کشف باندهای داخلی و بین‌المللی برد و فضا را باید برای آنها ناامن کرد. با دستگیری و مجازات و حتی اعدام خرده‌پاها درخت تنومند چرخه تولید و عرضه مواد مخدر آسیبی نمی‌بیند. فقط شهروندان ما (محکومان و خانواده‌های آنها) که نیرویی از مملکت هستند، آسیب می‌بینند. مثل آن است که شاخه کوچک یا بزرگی از درخت بریده شود. با وجود ریشه، به جای شاخه شکسته، شاخه‌های تازه‌تری می‌روید و با وجود ریشه حیات مافیای عظیم مواد مخدر همچنان باقی می‌ماند.

در پایان به جهت کاربردی بودن بحث، پیشنهادی که ارائه می‌شود آن است که مجازات اعدام به جز مواردی که مصداق جرائم مستوجب سلب حیات دیگری می‌شود مانند اینکه به جهت مسلحانه بودن و استفاده متهم از اسلحه در مقابل مأموران، مصداق «محاربه» باشد یا منجر به «قتل عمدی» مأمور شود، حذف گردد.

در سایر حالات، نحوه تعیین مجازات نسبت به قاچاق مواد مخدر صنعتی (مثل شیشه که معتاد به آن حالات خطرناکی دارد) و سنتی مثل تریاک متفاوت باشد. در خصوص مواد مخدر صنعتی دو حالت ساده و مشدد برای تمامی مصداق در نظر گرفته شود. حالت مشدد در سه مورد «سردستگی»، «سازمان‌یافتگی» و «تولید یا عرضه با میزان عمده مثلاً سه کیلو و بیشتر» پیش‌بینی شود. در این سه حالت مجازات حبس ابد بدون قابلیت استفاده از نهادهای ارفاقی در نظر گرفته شود. از جمله مثلاً تا مدت ۳۰ سال، مجرم از هیچ‌گونه ارفاقی مانند عفو، آزادی مشروط و غیره برخوردار نگردد. در خصوص مواد مخدر سنتی باز هم دو حالت ساده و مشدد برای تمامی مصداق تعیین گردد. حالت مشدد در سه مورد «سردستگی»، «سازمان‌یافتگی» و «تولید یا عرضه عمده مثلاً ۱۰۰ کیلو و بیشتر» پیش‌بینی شود. در این سه حالت هم مجازات حبس ابد بدون استفاده از قابلیت استفاده از نهادهای ارفاقی حداقل تا مدت پانزده سال پیش‌بینی شود. به عبارت دیگر برای تحقق ویژگی قطعیت و حتمیت اجرای مجازات، در مجازات حبس ابد به هیچ‌وجه و بدون هیچ استثنایی، مجرم تا پایان مدت‌های مذکور نتواند امید استفاده از نهادهایی مانند عفو موردی یا کلی بیرون رفتن از زندان را داشته باشد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان خوزستان (۱۳۷۷). «کندوکاوی پیرامون زندانیان مواد مخدر در استان خوزستان».
۳. اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۷۷). «تأثیر اعدام در روند مبارزه با مواد مخدر در استان کرمان (۱۳۶۷-۱۳۷۶)».
۴. اکبری، حسین (۱۳۷۹). «مطالعه نظری - عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران»، همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، نشر روزنامه رسمی کشور.
۵. اکبری، عباسعلی (۱۳۹۳). «بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرائم مواد مخدر در ایران با تأکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، ش ۲.
۶. آشوری، محمد (۱۳۷۹). «نتیجه‌گیری کلی همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر»، همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، نشر روزنامه رسمی کشور.
۷. بولک، برنار (۱۳۸۴). کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
۸. پرادل، ژان (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۹. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲). «بایدها و نبایدهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران»، مجلس و راهبرد، سال بیستم، ش ۷۵.
۱۰. پوربافرانی، حسن و رئوف رحیمی (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی جرم شکنجه در حقوق ایران و کنوانسیون منع شکنجه»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتماد، ش ۹۳.
۱۱. خوانساری، سیداحمد (۱۳۶۴). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، جلد پنجم، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۱۲. رحمدل، منصور (۱۳۸۵). «تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر»، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال هفتم، ش ۱.
۱۳. زراعت، عباس (۱۳۹۲). حقوق کیفری مواد مخدر، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس.

۱۴. ساکی، محمدرضا (۱۳۹۱). *مواد مخدر و روان گردان از دیدگاه علوم جنایی و حقوق بین‌الملل*، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
۱۵. *سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۷۹)*.
۱۶. ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۷۹). *کندوکاوی پیرامون نواقص قانون مبارزه با مواد مخدر*، اداره کل حقوقی، امور قوانین و مجلس ستاد مبارزه با مواد مخدر.
۱۷. شیکر، دیوید (۱۳۹۳). *مفهوم و ماهیت مجازات*، ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
۱۸. صانعی، پرویز (۱۳۷۱). *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۹. صلاحی، جاوید (۱۳۸۲). *کیفرشناسی*، چاپ سوم، مشهد، نشر سحوری.
۲۰. علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۷). «تبیین جامعه‌شناختی دستگیری‌های مرتبط با مواد مخدر مطالعه موردی استان مازندران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، ش ۲۸.
۲۱. غلامی، حسین (۱۳۸۲). *تکرار جرم بررسی حقوقی - جرم‌شناختی*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲۲. _____ (۱۳۹۴). *کیفرشناسی*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲۳. قناد، فاطمه (۱۳۷۹). «بررسی تناسب میان جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران»، *همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر*، جلد اول، نشر روزنامه رسمی کشور.
۲۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). *فلسفه حقوق*، جلد اول، چاپ اول، تهران، شرکت سهام انتشارات.
۲۵. گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۱). «نقدی بر سیاست جنایی دولت در مبارزه با مواد مخدر»، *مجله اصلاح و تربیت*، ش ۲۱.
۲۶. محقق‌داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۹). *قواعد فقه (بخش جزایی)*، چاپ اول، تهران، مرکز نشر علوم انسانی.
۲۷. مرعشی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹). «مبانی فقهی مواد مخدر»، *همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر*، جلد اول، نشر روزنامه رسمی کشور.
۲۸. میرزای قمی، ابی‌القاسم بن حسن (۱۳۹۶ق). *جامع‌الشتات*، جلد دوم، چاپ اول، تهران، منشورات شرکت رضوان.
۲۹. نوربها، رضا (۱۳۹۰). *زمینه حقوق جزای عمومی*، چاپ سی و دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۳۰. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۷۹). *متن سخنرانی در همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر*، جلد اول، تهران، نشر روزنامه رسمی کشور.

۳۱. هود، راجر و هویل کرولین (۱۳۹۱). *مجازات مرگ*، ترجمه فراز شهلائی، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه بینه.

۳۲. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱)، *چرایی و چگونگی مجازات*، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

33. Amnesty International (2014). *Death Sentences and Executions 2013*, First Published, London, United Kingdom, Index: Act 50/001/2014.
34. Amnesty International Global Reports (2016). *Death Sentences and Executions 2015*, First Published, London, UK, Index: Act 50/348/2016.
35. Council of the Europe (1983). Protocol No. 6 to the European Convention for the Protection on Human Rights and Fundamental Freedoms Concerning the Abolition of the Death Penalty, as Amended by Protocol No. 11, Strasbourg, 28.IV.
36. _____ (2002). Protocol No. 13 to the European Convention for the Protection on Human Rights and Fundamental Freedoms Concerning the Abolition of the Death Penalty in All Circumstances, Vilnius, 3.V.2002.
37. Hood, Roger and Carolyn Hoyle (2008). *The Death Penalty: A World Wide Perspective*, Oxford University Press.
38. Katz, Leo, Michael Moor and Stephan Morse (1999). *Foundations of Criminal Law*, New York, Oxford University Press.
39. Pinto, S. (2015). *Is the Death Penalty the Answer to Drug Crime?*, Amnesty International, available at: www.amnesty.org
40. Protocol to the American Convention on Human Rights to Abolish the Death Penalty, Adopted by the General Assembly of the Organization American States in 1990.
41. Protocol No. 6 to the European Convention on Human rights, Adopted by Council of the Europe in 1983.
42. Protocol No. 13 to the European Convention on Human rights, Adopted by Council of the Europe in 2002.
43. Schonscheck, Jonathan (1994). *On Criminalization: An Essey in the Philosophy of the Criminal Law*, Netherland, Kluwer Academic Publishers.
44. Second Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights, Aiming at the Abolition of the Death Penalty (1989). Adopted and Proclaimed by General Assembly Resolution 44/128 of 15 December.
45. www.amnesty.org
46. www.dchq.ir/images/shohada
47. www.isna.ir/news/95050108387
48. www.khabaronline.ir/detaile/525858/society/judiciary
49. www.namehnews.ir/fa/news/352774/